

فصلنامه علمی زبان پژوهی دانشگاه الزهراء (س)

سال پانزدهم، شماره ۴۷، تابستان ۱۴۰۲

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۹۷-۶۵

بررسی مقابله‌ای طرحواره‌های بیان مقایسه مبالغه آمیز در فارسی و انگلیسی: رویکردی شناختی-رده‌شناسی^۱ آوا ایمانی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۱۶

چکیده

هدف این پژوهش بررسی مقایسه‌ای «ساخت مقایسه مبالغه آمیز» از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی در فارسی و انگلیسی است. به این منظور، اولاً مهم‌ترین طرحواره‌ها و راهبردهای ساختوازی-نحوی رمزگذاری مفهوم مقایسه مبالغه آمیز را باز می‌شناسیم؛ دوماً نمود صوری هر یک از مؤلفه‌های مورد اشاره بررسی می‌شود؛ و سوماً بر مبنای رویکرد شناختی هاینه (Heine, 1997) و دسته‌بندی استاسن (Stassen, 1985) راهبرد غالب بیان مقایسه عالی در این دو زبان مشخص می‌گردد. این پژوهش توصیفی-تحلیلی و از نوع پیکره‌بنیاد است. داده‌ها شامل ۳۱۶ جمله (فارسی=۱۶۴ و انگلیسی=۱۵۲) است که از فرهنگ فارسی عامیانه نجفی (Najafi, 2008)، فرهنگ پیشرفته انگلیسی آکسفورد (Hornby, 2001) و پیکره انگلیسی آمریکایی معاصر استخراج شدند. یافته‌ها نشان داد که داده‌های انگلیسی با دسته‌بندی استاسن و الگوی پیشنهادی هاینه (Heine, 1997) کاملاً همخوانی دارد؛ ولی زبان فارسی از راهبردهای گوناگونی برای رمزگذاری مفهوم «مقایسه» بهره می‌گیرد که برخی از آن‌ها در زبان انگلیسی به کار گرفته نمی‌شوند. به بیان دقیق‌تر، نمود صوری مؤلفه‌های «درجه پارامتر»، «نشانگر استاندارد» و «استاندارد» در زبان فارسی اجباری نیست؛ درحالی‌که نمود صوری «مقایسه‌شونده» و «پارامتر» در زبان انگلیسی اجباری است و اگرچه گرایش غالب ساخت مقایسه مبالغه آمیز در فارسی اغلب از نوع «مکانی» است، ولی این زبان افزون بر راهبردهای مطرح شده توسط استاسن و

^۱ شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/jlr.2022.40875.2201

شناسه دیجیتال (DOR): 20.1001.1.20088833.1402.15.47.3.8

^۲ استادیار گروه زبان‌شناسی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران؛ ava.imani@basu.ac.ir

هشت طرحوارهٔ پیشنهادی هاینه، از طرحواره‌هایی بهره می‌گیرد که در فهرست زبان‌های مطالعه‌شدهٔ جهان هیچ اشاره‌ای به این موارد نشده‌است. به این ترتیب، مشخص شد که رویکرد شناختی هاینه و الگوی استاسن (Stassen, 1985) در رویارویی با داده‌های زبان فارسی کفایت تبیینی لازم را نداشته و نیازمند بازنگری هستند؛ در حالی که داده‌های انگلیسی را به خوبی تبیین می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: مقایسه، ساخت مقایسهٔ مبالغه‌آمیز، الگوی رده‌شناسی استاسن، رویکرد شناختی هاینه، فارسی و انگلیسی

۱. مقدمه

مقایسه از جمله مفاهیم بنیادین و یکی از مؤلفه‌های اساسی شناخت بشر است که در زبان‌های مختلف دنیا به شیوه‌های گوناگون رمزگذاری می‌شود. مفهوم مقایسه را فقط با ارجاع به واژه‌ها یا تکواژها نمی‌توان توصیف یا تبیین نمود. به بیان دقیق‌تر، هستی این مفهوم دستوری، در واقع وابسته به برخی ساخت‌های طرحواره‌ای است. هاینه (Heine, 1997, p. 109) در این باره می‌نویسد، حوزهٔ مقایسه به صورت عام و اصطلاح «ساخت مقایسه‌ای»^۱ به صورت خاص بر صورت‌های زبانی و مفهومی گوناگونی دلالت دارد. وی گونه‌های بنیادین مفاهیم مقایسه‌ای را به این هفت گروه، دسته‌بندی می‌کند: ۱- مقایسه مطلق^۲، ۲- مقایسه برابری^۳، ۳- مقایسه برتری^۴، ۴- مقایسه پایین‌تری^۵، ۵- مقایسه مبالغه‌آمیز (عالی)^۶، ۶- مقایسه ارتقائی^۷ و ۷- مقایسه مفرط^۸. افزون بر هاینه (Heine, 1997)، تاکنون پژوهش‌های بسیاری در پیوند با «مقایسه» و گونه‌های مختلف ساخت‌های مقایسه‌ای در زبان‌های مختلف جهان انجام شده‌است؛ ولی مقایسهٔ عالی به عنوان یکی از انواع اصلی مفاهیم مقایسه‌ای، آن گونه که باید مورد توجه زبان‌شناسان، به ویژه پژوهشگران ایرانی قرار نگرفته‌است. این در حالی است که پس از مشاهده و بررسی اولیه داده‌های زبان فارسی و مقایسه آن‌ها با داده‌های زبان انگلیسی، این فرضیه برای نگارنده مطرح شد که ساخت‌های مقایسه‌ای گوناگون و بی‌همتایی به ویژه از نوع «ساخت مقایسهٔ عالی» وجود دارد که برخی از آن‌ها به سبب وجود برخی ویژگی‌ها و امکان‌های ویژهٔ دستوری، از جمله «ساخت اضافه»،

¹ comparative construction

² positive

³ equative

⁴ superior comparative

⁵ inferior comparative

⁶ superlative

⁷ elative

⁸ excessive

اصطلاح‌های ساختی^۱، عنصرهای واژگانی منفرد و فعل‌های مرکب در زبان فارسی و همچنین، برخی عنصرهای واژگانی و دستوری ویژه، مانند «ادات^۲» و «ترتیب سازه ثابت» در زبان انگلیسی، در دیگر زبان‌ها وجود ندارند.

افزون بر این، تاکنون هیچ پژوهشی از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی و رده‌شناسی به چگونگی رمزگذاری زبانی ساخت مقایسه‌مبالغه‌آمیز در این دو زبان و مقایسه آن‌ها با یک‌دیگر نپرداخته‌است. بنابراین، پژوهش حاضر با هدف بررسی این گونه از مقایسه در فارسی و انگلیسی انجام می‌گیرد و به سبب محدودیت حجم مقاله، در این جستار فقط بر ساخت مقایسه‌مبالغه‌آمیز تمرکز کرده و تحلیل انواع ساخت‌های مقایسه‌ای دیگر را به پژوهش‌های آتی واگذار می‌کنیم. در این پژوهش می‌کشیم تا دریابیم در زبان‌های فارسی و انگلیسی، مفهوم «مقایسه‌مبالغه‌آمیز» چگونه در ساخت‌های زبانی مختلف رمزگذاری می‌شود و هر یک از مؤلفه‌های اصلی تشکیل‌دهنده ساخت مقایسه، یعنی مؤلفه‌های «مقایسه‌شونده»، «استاندارد»، «نشانگر استاندارد»، «نشانگر پارامتر» و «پارامتر» چگونه در این دو زبان نشان‌گذاری می‌شوند؛ تفاوت‌های صوری و نقشی آن‌ها چیست، و تا چه اندازه قابلیت حذف و یا جابه‌جایی دارند.

به منظور دست‌یابی به هدف‌های پژوهش حاضر، به چند پرسش اصلی به شرح زیر پاسخ می‌دهیم: نخست اینکه، زبان‌های فارسی و انگلیسی از چه ابزارهای ساخت‌واژی-نحوی برای بیان مقایسه‌مبالغه‌آمیز بهره می‌گیرند؟ دوم آنکه، آیا همه مؤلفه‌های سازنده مفهوم مقایسه، در ساخت‌های مقایسه‌مبالغه‌آمیز این دو زبان اجباراً نمود صوری دارند؟ سوم اینکه، دسته‌بندی رده‌شناسی استاسن (Stassen, 1985) و همچنین رویکرد شناختی پیشنهادی هاینه (Heine, 1997) تا چه اندازه می‌توانند ساخت‌های مقایسه‌مبالغه‌آمیز را در فارسی و انگلیسی تبیین کنند؟ و چهارم آنکه این دو زبان از جنبه بهره‌گیری از ساخت‌های (دستوری‌شده) اختصاصی برای بیان مفهوم مقایسه‌مبالغه‌آمیز، چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی با یک‌دیگر دارند؟

از جنبه روش شناختی، پژوهش حاضر ماهیتاً توصیفی-تحلیلی و از نوع پیکره-بنیاد است. داده‌های این پژوهش روی هم رفته دربردارنده ۳۱۶ جمله (فارسی=۱۶۴ و انگلیسی=۱۵۲) است که از فرهنگ فارسی عامیانه^۳ (Najafi, 2008)، فرهنگ پیشرفته انگلیسی آکسفورد

¹ constructional idioms

² particles

^۳ فرهنگ فارسی عامیانه، یک فرهنگ جامع دو جلدی است که هر جلد آن حدوداً شامل ۲۰۰۰ صفحه است. این فرهنگ متشکل از متن‌های گوناگونی در ژانرهای مختلف مربوط به دوره فارسی نو یا همان فارسی دوره اسلامی است. به بیان دقیق‌تر، این فرهنگ شامل ۱۲۰ اثر متنور (از جمله داستان‌های کوتاه، رمان‌های بلند، کتاب، مجلات مختلف، روزنامه‌ها و نشریات ادواری، مقاله‌ها و موارد مشابه) است.

(Hornby, 2001) و پیکره انگلیسی آمریکایی معاصر^۱، استخراج شده‌اند. روش گردآوری داده‌ها این گونه بود که پس از جستجوی فراگیر در فرهنگ‌ها و پیکره مورد اشاره، همه انواع جمله‌ها و ساختارهایی که در بردارنده مفهوم «مقایسه مبالغه‌آمیز» بوده‌اند، استخراج و دسته‌بندی شدند و سپس بر مبنای دسته‌بندی رده‌شناسی استاسن (Stassen, 1985) و رویکرد شناختی هاینه (Heine, 1997) به توصیف و تحلیل جمله‌های مورد اشاره پرداخته شد. لازم به اشاره است که از شش زبانی چند گویشور بومی انگلیسی‌زبان نیز برای تحلیل و اعتبارسنجی جمله‌های انگلیسی بهره گرفته‌ایم.

جستار حاضر نخستین پژوهشی است که به تحلیل مقابله‌ای «ساخت مقایسه‌مبالغه‌آمیز» با رویکرد شناختی در فارسی و انگلیسی می‌پردازد و افزون بر بررسی‌های ساخت‌واژی-نحوی و معنایی، در پی ارائه تبیین شناختی و رده‌شناسی از ویژگی‌ها و عوامل زبان-ویژه دخیل در شکل‌گیری این مفهوم شناختی و دستوری‌شدگی آن در دو زبان مورد اشاره است. بنابراین، از این دیدگاه، پژوهش حاضر بدیع و نوآور بوده و دستاوردهای آن می‌تواند در امر آموزش انواع ساخت‌های زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان، به ویژه آموزش «ساخت مقایسه» و مقایسه آن با انواع ساخت‌های مقایسه‌ای در زبان‌های مختلف جهان و همچنین آموزش زبان انگلیسی به زبان‌آموزان خارجی به کار گرفته شود. افزون بر این، شناسایی و طبقه‌بندی طرحواره‌های شناختی دخیل در شکل‌گیری این مفهوم دستوری و تبیین برخی گرایش‌های شناختی و رده‌شناسی در چگونگی رمزگذاری ساخت‌واژی-نحوی این ساخت می‌تواند در پژوهش‌های دستور زبان و رده‌شناسی زبان به وسیله زبان‌آموزان، پژوهشگران و زبان‌شناسان به کار گرفته شود و در شناسایی برخی ساخت‌های مقایسه‌ای ناشناخته و زبان-ویژه زبان فارسی و همچنین در انجام برخی اصلاح‌های مورد نیاز و بازنگری در دسته‌بندی رده‌شناسی استاسن (Stassen, 1985) و رویکرد شناختی هاینه (Heine, 1997) در زمینه تحلیل ساخت‌های مقایسه‌ای در زبان‌های مختلف جهان سودمند و راهگشا باشد.

۲. پیشینه پژوهش

در این بخش برخی از مهم‌ترین پژوهش‌های انجام‌شده در پیوند با «ساخت‌های مقایسه‌ای» در

¹ *Corpus of Contemporary American English (COCA)* is available online at <https://www.english-corpora.org/coca/>. It contains more than one billion words of text (25+ million words each year 1990-2019) from eight genres: spoken, fiction, popular magazines, newspapers, academic texts, and (with the update in March 2020): TV and Movies subtitles, blogs, and other web pages.

زبان‌های گوناگون جهان معرفی و شرح داده می‌شوند تا از این رهگذر کاستی‌های پژوهشی موجود در این حوزه آشکار شود.

از جمله نخستین پژوهش‌های بنیادین در حوزه مقایسه که مبنای انجام پژوهش‌های گوناگونی در زبان‌های مختلف قرار گرفته‌اند، می‌توان به اولتان (Ulltan, 1972) در پیوند با برخی ویژگی‌های ساخت‌های مقایسه‌ای بنیادین و بررسی رده‌شناختی استاسن (Stassen, 1985) در زمینه دسته‌بندی انواع ساخت‌های مقایسه‌ای در زبان‌های مختلف جهان اشاره کرد. کوئیرک و همکاران (Quirk et al., 1985) نیز به چگونگی ساخت انواع جمله‌ها و مفاهیم مقایسه‌ای و همچنین برخی تفاوت‌ها بین مقایسه «برتری» و مقایسه «مبالغه‌آمیز» در زبان انگلیسی می‌پردازند. کوئیرک و همکاران (Quirk et al., 1985, p. 466-465) بر این باورند که افزون بر ساخت‌های مقایسه‌ای بی‌نشان که به صورت آشکار نشان‌گذاری می‌شوند، برخی عبارت‌ها و ساخت‌های مرتبط دیگری وجود دارد که برگرفته از زبان لاتین هستند. ولی این نوع عبارت‌ها و ساخت‌ها در حقیقت ساخت‌های مقایسه‌ای واقعی نیستند؛ زیرا نمی‌توان آن‌ها را در ساخت‌های مقایسه‌ای ادات «*-than*» که از جمله ساخت‌های اصلی و آشکار برای بیان مقایسه در زبان انگلیسی هستند، به کار برد، مانند «*senior*» و «*major*» در نمونه (۱):

1. A is senior to B

به بیانی، آن‌ها بر این باورند که این گونه ساخت‌های مقایسه‌ای لاتین را می‌توان «ساخت‌های مقایسه‌ای پنهان»^۱ نامید که البته می‌توان با استفاده از ساخت‌های همپایه‌ساز^۲ که با عناصر «*-than*»، «*-er*»، «*more*»، «*less*» و یا «*as*» آغاز می‌شوند، این نوع ساخت‌ها را نیز به صورت ساخت‌های مقایسه‌ای آشکار^۳ بیان کرد.

یکی دیگر از پژوهش‌های بنیادین در باب مفهوم مقایسه و ساخت‌های مقایسه‌ای در زبان‌های مختلف دنیا، رویکرد شناختی هاینه (Heine, 1997) است که با گردآوری داده‌هایی از ۱۰۹ زبان مختلف، گونه‌های مختلف مفاهیم مقایسه‌ای را در قالب ساختارهای طرحواره‌ای با عنوان «طرحواره‌های رویداد» مورد بررسی قرار می‌دهد و سپس به توصیف و طبقه‌بندی این طرحواره‌ها در زبان‌های مختلف می‌پردازد. پس از آن، بر مبنای این آثار بنیادین، پژوهش‌های گوناگونی در پیوند با مقایسه در زبان انگلیسی و همچنین در دیگر زبان‌ها انجام شد. برای نمونه، می‌توان به نوسه (Nose, 2010) اشاره کرد که بر مبنای الگوی استاسن (Stassen, 1985) با رویکردی مقابله‌ای و با بهره‌گیری از پیکره‌های موازی به بررسی رده‌شناسی انواع ساخت‌های مقایسه‌ای در سه زبان

¹ implicit comparatives

² correlative constructions

³ explicit

انگلیسی، ژاپنی و تاک‌پیزین^۱ می‌پردازد. وی در این پژوهش به ویژگی‌های نقشی و همچنین تفاوت‌های صوری و معنایی برخی از مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده ساخت مقایسه (از جمله «مقایسه‌شونده»، «استاندارد» و «نشانگر استاندارد») در این سه زبان می‌پردازد و در پایان، چنین نتیجه‌گیری می‌کند که تفاوت‌های نقشی موجود در انواع ساخت‌های مقایسه در این سه زبان را می‌توان بر اساس الگوی گذرای^۲ پیشنهادی هاپز و تامپسون (Hopper & Thompson, 1980) تبیین کرد.

در یک پژوهش رده‌شناسی دیگر، پارا-گاینالدو (Parra-Guinaldo, 2011) به بررسی ساخت‌های مقایسه‌ای «*more than*» در انگلیسی باستان (اثر حماسی «بیولف»^۳) می‌پردازد و در پایان، دستوری‌شدگی را به عنوان یک تبیین مناسب برای تکوین صورت دستوری «ادات مقایسه» از یک عنصر واژگانی، پیشنهاد می‌کند. این در حالی است که در زبان فارسی، به جز نجفی و رحیمیان (Najafi & Rahimian, 2020) که به بررسی ساخت‌های همسانی^۴ و ایمانی (Imani, 2022) که به تحلیل نقشی-رده‌شناسی از ساخت‌های مقایسه‌ای می‌پردازند، تاکنون هیچ پژوهشی با رویکرد مقابله‌ای و شناختی در پیوند با مفهوم «مقایسه» و ساخت‌های مقایسه‌ای، به ویژه «ساخت مقایسه مبالغه‌آمیز» در زبان فارسی و مقایسه آن با دیگر زبان‌ها انجام نشده است. به این ترتیب اهمیت و ضرورت انجام پژوهش حاضر بیشتر رخ می‌نماید.

۳. چهارچوب نظری

در این بخش به شرح مبانی نظری و آرای هاینه (Heine, 1997) و استاسن (Stassen, 1985) می‌پردازیم. هاینه (Heine, 1997, p. 83) بر این باور است که ساخت مقایسه از جمله حوزه‌های دستوری است که در توصیف و تبیین آن با ساخت‌های انتزاعی و یا به بیان وی با «طرحواره‌های رویداد» روبه‌رو هستیم. طرحواره‌های رویداد شامل طرحواره‌های بسیار گوناگونی مانند طرحواره کنش، طرحواره مکان، طرحواره منبع، طرحواره هدف، طرحواره قطبیت، طرحواره توالی، طرحواره شباهت، و طرحواره مبتدا، هستند. هاینه (همان) با توجه به داده‌هایی از ۱۰۹ زبان گوناگون به توصیف و طبقه‌بندی این طرحواره‌ها می‌پردازد و گونه‌های اصلی مفاهیم مقایسه‌ای را از یک‌دیگر متمایز و به صورت جدول (۱) دسته‌بندی می‌کند:

¹ Tok Pisin

² transitivity

³ *Beowulf*, an Old English epic poem

⁴ equative constructions

جدول ۱: انواع مفاهیم مقایسه‌ای (Ulta, 1972; Andersen, 1983, p. 100; Stolz & (Stolz, 1994 ;Heine, 1997, p. 109

مفهوم	مثال
الف. مطلق	دیوید باهوش است.
ب. برابری	دیوید به باهوشی باب (به اندازه باب باهوش) است.
پ. مقایسه برتری	دیوید باهوش تر از باب است.
ت. مقایسه پایین تری	دیوید کمتر از باب باهوش است.
ث. مقایسه مبالغه آمیز	دیوید باهوش ترین (از همه باهوش تر) است.
ج. مقایسه ارتقائی	دیوید خیلی باهوش است.
د. مقایسه مفرط	دیوید زیادی باهوش است.

به باور هاینه (Heine, 1997, p. 110) «مقایسه برتری»، نمونه اعلی همه انواع ساخت‌های مقایسه‌ای است و به همین دلیل او تمرکز خود را بر روی این نوع از ساخت مقایسه‌ای قرار می‌دهد؛ اگرچه وی بیان می‌کند که همه مفاهیم و نکته‌هایی که در پیوند با «ساخت مقایسه برتری» کارایی دارد، را می‌توان در مورد «ساخت مقایسه مبالغه آمیز» نیز به کار بست. بنابراین، برای بیان این نوع از مقایسه، قاعده طرحواره‌ای که در (ب) صورت‌بندی شده است، جایگزین قاعده طرحواره‌ای (الف) می‌شود:

2. (الف X is Y-er than Z ← (ب X is Y-er than all others

همچنین، هاینه (Heine, 1997) بر این باور است که ساخت‌های مقایسه‌ای بر اساس گزاره‌هایی ساخته می‌شوند که متشکل از پنج مؤلفه اصلی است. او این مؤلفه‌ها را در نمونه (۳) این گونه شرح می‌دهد:

3. David is smart-er than Bob
X Y D M Z

¹ X= مقایسه شونده Y= محمول D= نشانگر درجه M= نشانگر استاندارد Z= استاندارد

برای یک دستی و کوتاهی سخن، پس از این، در سراسر این پژوهش از اصطلاح‌های مخفف

زیر برای نامگذاری این پنج مؤلفه بهره می‌گیریم:

4-1-Comparee 2-Parameter marker 3-Parameter 4-Standard marker
5-Standard
STAN STM PAR PAM COM

¹ X=Comparee, Y=Predicate, D= Degree marker, M=Marker of Standard, Z=Standard

یکی از نکته‌های مهم در تحلیل ساخت‌های مقایسه‌ای، چگونگی نمود صوری این مؤلفه‌ها است، هاینه (Heine, 1997, p. 110) در این زمینه، بر این باور است که در بسیاری از زبان‌های جهان، نشانگر درجه، نمود صوری ندارد و نشانگر استاندارد، تنها نمود صوری مقایسه است، مانند زبان‌های تلوگو، ژاپنی، اسکیمو، گوجاراتی، آرامیک، وورورا، سواحیلی و ایبو^۱. در حالی که در برخی زبان‌های دیگر جهان، بهره‌گیری از نشانگر درجه اختیاری است، مانند زبان‌های یوروک، مالاگاسی، کویی، کاپتیک، و کریمس شرقی^۲؛ و در برخی دیگر از زبان‌های جهان، نشانگر درجه اجباری است. به سخن دیگر، هر یک از پنج مؤلفه، نه تنها از زبانی به زبان دیگر به صورت متفاوت رمزگذاری می‌شوند، بلکه در یک زبان واحد نیز از ساختی به ساخت دیگر، نمود صوری متفاوتی دارند. برای نمونه، نشانگر درجه می‌تواند به صورت یک وند (مانند *er-* در انگلیسی)، یک واژه مستقل و یا ادات^۳ مانند «*more*» نمایان شود و نشانگر استاندارد نیز می‌تواند به صورت یک حرف اضافه، یک واژه‌بست و یا یک نشانگر صرفی حالت^۴ در زبان رمزگذاری شود و یا هیچ نمود صوری نداشته باشد.

آنچه به گمان هاینه برای هستی یک ساخت مقایسه‌ای الزامی است، آن است که تمایز بین مقایسه‌شونده و استاندارد (شامل یک پارامتر و نشانگر استاندارد)، به هر شکل ممکن توسط شنونده، درک و دریافت شود، بدون توجه به اینکه هر یک از این مؤلفه‌ها در یک ساخت ویژه و در یک زبان منفرد چگونه رمزگذاری می‌شوند. در ادامه، هاینه (Heine, 1997, p. 111) چگونگی ساخت مقایسه در زبان‌های مختلف دنیا را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد و این گونه استدلال می‌کند که نشانگرهای مقایسه‌ای، مانند دیگر مفاهیم و امکانات دستوری از سایر مفاهیم و پدیده‌های ملموس تر سرچشمه می‌گیرند. وی در ادامه ادعا می‌کند که بیشتر ساخت‌های مقایسه‌ای در زبان‌های جهان از شمار اندکی از ساختارهای منشأ مفهومی سرچشمه می‌گیرند که «طرحواره‌های رویداد» نام دارند. طرحواره‌های پیشنهادی هاینه به شرح زیر در جدول (۲) نمایش داده شده‌اند:

¹ Telugu, Japanese, Eskimo, Gujarati, Aramic, Worora, Swahili, and Ewe.

² Yurok, Malagasy, Kui, Coptic, and Eastern Chermis.

³ particle

⁴ case inflection

جدول ۲: مهم ترین طرحواره‌های منشأ برای ساخت‌های مقایسه‌ای (Heine, 1997, p. 112)

عنوان طرحواره	طرحواره منشأ
Action (کنش)	X is Y surpasses Z
Location (مکان)	X is Y at Z
Source (منبع)	X is Y from Z
Goal (هدف)	X is Y to Z
Polarity (قطبیت)	X is Y, Z is not Y
Sequence (توالی)	X is Y, then Z
Similarity (شباهت)	X is Y (like) Z
Topic (مبتدا)	X and Z, X is y

لازم به اشاره است که به باور هاینه (Heine, 1997, p. 112) طرحواره‌های مورد اشاره از نظر اهمیت یکسان نیستند. به بیان دیگر، سازوکار اصلی گسترش و پیدایش مقوله‌های زمان و نمود در زبان‌های جهان، دستوری‌شدگی شمار اندکی از طرحواره‌های رویداد است که کمابیش یکسان و یا مشابه با طرحواره‌های فهرست‌شده در جدول (۲) است. همچنین، فراوانی رخداد این طرحواره‌ها در زبان‌های گوناگون کاملاً متفاوت است. طرحواره‌های کنش، مکان، منبع، هدف و قطبیت فراوانی تا اندازه بالایی دارند، در حالی که سه طرحواره دیگر فراوانی چندانی ندارند و به عنوان منشأیی برای ساخت‌های مقایسه‌ای قابل چشم‌پوشی هستند. هاینه (Heine, 1997, p. 112-120) برای هر یک از طرحواره‌های مورد اشاره، تعریف مختصری به شرح زیر ارائه می‌کند:

الف) طرحواره کنش: در این طرحواره، مقایسه‌شونده نوعی کنشگر به شمار می‌آیند و مفهوم «پیش‌افتادن از/سبقت گرفتن» در قالب قاعده «X is Y surpasses Z» نمایانگر مفاهیم کنشی (فعلی) از جمله «شکست دادن»، «پیروز شدن»، «پیشی گرفتن/سبقت گرفتن» و فعل‌هایی از این قبیل است.

ب) طرحواره مکان: در این طرحواره، مفهوم 'at' در فرمول 'X is at Y at Z' نمایانگر انواع نقش‌های مکانی ایستا از جمله 'at', 'on', 'above', 'in', 'by' و موارد مشابه است. به بیان دیگر، این فرمول تقریباً معادل این معنا است که «X دارای ویژگی Y است، و اگر Z در همان مکانی که X قرار دارد، قرار بگیرد؛ آنگاه X مقدار بیشتری از Y دارد نسبت به Z».

پ) طرحواره منبع: در این طرحواره، مؤلفه مقایسه‌شونده می‌تواند هر گونه نقش دستوری را داشته باشد ولی مؤلفه استاندارد معمولاً به عنوان یک گروه قیدی ابلتو (ازی)^۱ رمزگذاری

¹ ablative adverbial phrase

می‌شود.

(ت) طرحواره هدف: این طرحواره تصویر معکوس طرحواره منبع است. ولی ویژگی خاص آن این است که مؤلفه استاندارد به عنوان یک موضوع جهت‌ی^۱ اعم از الیتو^۲، بهره‌ور^۳، و یا دیتو^۴ رمزگذاری می‌شود.

(ث) طرحواره قطبیت: این طرحواره در پیوند با کنار هم قرار دادن ضد و نقیض^۵ دو ویژگی متضاد است و دو زیر طرحواره اصلی دارد: ۱- تضاد و ۲- قطبیت مثبت-منفی.

۵. ساختار زیر طرحواره تضاد ← «X دارای ویژگی p است، در حالیکه Z دارای ویژگی معکوس q است.»

ساختار زیر طرحواره قطبیت مثبت-منفی ← «X دارای ویژگی p است، در حالیکه Z فاقد ویژگی p است.»

(ج) طرحواره توالی: این طرحواره متشکل از دو گزاره متوالی است که بین آن‌ها رابطه زمانی برقرار است. توالی این دو گزاره معمولاً به وسیله یکی از نشانگرهای رویدادهای نتیجه‌ای^۶، همچون «و»، «و سپس»، «پس از آن/بعدها» نشان داده می‌شود. به همین سبب، هاینه (Heine, 1997, p. 117) آن را طرحواره زمانی^۷ نیز می‌نامد و معادل گزاره‌ای زیر را برای آن پیشنهاد می‌دهد:

۶. «X دارای ویژگی Y است، و سپس Z در ادامه می‌آید» (یعنی Z مقدار و میزان کمتری از Y دارد نسبت به X).

(چ) طرحواره شباهت: در این طرحواره بین مقایسه‌شونده و استاندارد، رابطه شباهت یا برابری وجود دارد و نمود صوری این طرحواره معمولاً یک حرف اضافه با معنای «مانند» یا «مثل» است.

(ح) طرحواره مبتدایی: در این طرحواره مقایسه‌شونده و استاندارد هر دو به عنوان موضوع گزاره‌ای و به شکل ترکیب دو گروه اسمی حضور دارند و با هم نمایان می‌شوند و در بند پسین یک گزاره درباره یکی از آن‌ها آورده می‌شود. ساختار گزاره‌ای این طرحواره به شکل زیر است:

7. 'X and Z, X is Y > X is Y-er than Z'

افزون بر هشت طرحواره مورد اشاره، مواردی نیز وجود دارد که می‌توان آن‌ها را

¹ directional participant

² allative

³ benefactive

⁴ dative

⁵ antithetic

⁶ consecutive events

⁷ temporal schema

آمیختگی های طحوارهای^۱ یا طحوارهای آمیخته نامید- ترکیبی از دو طحواره متفاوت- که می توانند ویژگی های دو طحواره متفاوت را با یکدیگر ترکیب کنند.

از آن جا که هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی مقابله ای ساخت مقایسه مبالغه آمیز در دو زبان فارسی و انگلیسی است، در ادامه به شرح آرا و استدلال های هاینه در پیوند با این ساخت می پردازیم. هاینه (Heine, 1997, p. 124) ساخت مقایسه برتری و مبالغه آمیز را با یکدیگر مقایسه می کند و سپس وی به نقل از اولتان (Heine, 1997; quoted in; Ultan, 1972, p. 134 & 141) مهمترین شباهت های این دو ساخت را این گونه شرح می دهد: نخست اینکه، هر دو متشکل از ساخت یکسانی هستند و در واقع مقایسه مبالغه آمیز بر مبنای الگوی مقایسه برتری ساخته می شود. دوم آنکه، منشأ مفهومی آن ها تا اندازه ای یکسان است و طحواره منبع فراوان ترین و رایج ترین الگوی مفهومی برای هر دو است. سوم اینکه، ساخت های مقایسه مبالغه آمیز می توانند از ساخت های مقایسه برتری سرچشمه می گیرند، ولی عکس آن درست نیست. همچنین، ساخت مقایسه مبالغه آمیز در مقایسه با ساخت مقایسه برتری، یک مقوله نشان دار است.

پس از بیان وجوه اشتراک ساخت مقایسه مبالغه آمیز و ساخت مقایسه برتری، حال به شرح آرا و دسته بندی رده شناسی استاسن (Stassen, 1985) در پیوند با ساخت های مقایسه ای می پردازیم. استاسن در اثر بنیادین خود با نام «*Comparison and Universal Grammar*» به بررسی و تحلیل گونه های مختلف ساخت های مقایسه ای در زبان های گوناگون جهان می پردازد. او گونه های مختلف ساخت های مقایسه ای را به چهار دسته اصلی مکانی^۲، فزونی^۳، پیوسته^۴ و ادات^۵ تقسیم بندی می کند. به باور وی، گرایش غالب زبان های اروپایی-آسیایی^۶، بهره گیری از ساخت های مقایسه ای مکانی است و نشانگر استاندارد در این زبان ها اغلب به وسیله عناصری نشان گذاری می شود که دارای معنای مکانی هستند. افزون بر این، استاسن (Stassen, 1985) بر این باور است که گاه مفهوم مقایسه با بهره گیری از برخی فعل ها، مانند «*exceed, surpass*» رمز گذاری می گردد. او این نوع ساخت ها و همچنین زبان هایی که گرایش غالب آن ها بهره گیری از این نوع ساخت است را، زبان های فزونی می نامد، مانند زبان های آفریقایی و آسیای جنوب شرقی و زبان های آسترونزیایی^۷.

¹ schema blends

² locational

³ exceed

⁴ conjoined

⁵ particle

⁶ Eurasian

⁷ Oceanic

هر چند در پیوند با ساخت‌های مقایسه‌ای پیوسته، استاسن (Stassen, 1985) بر این باور است که این نوع ساخت‌ها در مقایسه با دیگر ساخت‌های مقایسه‌ای، بدوی (ابتدایی)^۱ و کمتر دستوری شده^۲ انگاشته می‌شوند. این نوع ساخت‌ها در واقع از دو جمله به وجود آمده‌اند: یک جمله مثبت و یک جمله منفی. گرایش غالب زبان‌های آمریکای جنوبی و زبان‌های بومی استرالیایی^۳ بهره‌گیری از این ساخت است. و در پایان، به باور استاسن (همان) ساخت ادات به ساخت‌هایی گفته می‌شود که مؤلفه استاندارد در آن‌ها به وسیله یک ادات یا حرف اضافه، نمود صوری پیدا می‌کند. بسیاری از زبان‌های اروپایی، از جمله زبان انگلیسی در این دسته جای می‌گیرند. در بخش‌های پسین، آرای استاسن (همان) و الگوی شناختی هاینه (Heine, 1997) پیرامون ساخت مقایسه‌ی مبالغه‌آمیز را بر روی داده‌های زبان فارسی و انگلیسی پیاده می‌کنیم و سپس الگوی نظری پیشنهادی آن‌ها را در رویارویی با نمونه‌ها و شواهدی از این دو زبان، مورد بحث و ارزیابی قرار می‌دهیم.

۴. ساخت مقایسه‌ی مبالغه‌آمیز در زبان فارسی

در این بخش با ارائه شواهد و نمونه‌هایی از زبان فارسی^۴ به تحلیل داده‌ها و ارزیابی میزان بسندگی الگوی رده‌شناسی استاسن (Stassen, 1985) و رویکرد شناختی هاینه (Heine, 1997) در رویارویی با داده‌های زبان فارسی می‌پردازیم. افزون بر این، چگونگی نمود صوری، جایگاه و قابلیت جابه‌جایی هر یک از مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده ساخت مقایسه‌ی مبالغه‌آمیز را نیز مورد بررسی قرار می‌دهیم.

در زبان فارسی ساخت‌های بسیار گوناگونی برای رمزگذاری این مفهوم دستوری وجود دارد. یکی از رایج‌ترین روش‌های بیان مقایسه‌ی مبالغه‌آمیز در این زبان به کارگیری «*az construction*» است که به صورت ساخت‌واژی و آشکار و با بهره‌گیری از نشانگر درجه «-تر» و گروه حرف‌اضافه‌ای «-از» نشان‌گذاری می‌شود. نکته قابل توجه در پیوند با ساخت‌های

¹ primitive

² less grammaticalized

³ Australian Aboriginal Languages

⁴ از جمله متون موجود در فرهنگ فارسی عامیانه که در این پژوهش برای بیان مثال‌ها استفاده شده‌اند، عبارتند از: پابره‌نه‌ها (ا. شاملو، ۱۳۵۰)؛ سایه‌روشن (ص. هدایت، ۱۳۷۷)؛ کلاغ‌ها و آدم‌ها (ج. میرصادقی، ۱۳۸۳)؛ سه‌قطره (ص. هدایت، ۱۳۳۰)؛ پنج‌داستان (ج. آل‌احمد، ۱۳۸۴)؛ دیدار در هند (ا. فصیح، ۱۳۹۵)؛ نون و القلم (ج. آل‌احمد، ۱۳۴۰)؛ طوطی (ز. هاشمی، ۱۳۴۸)؛ پیشامدها (ع. پهلوان، ۱۳۵۴)؛ شبگرد (ص. دارابی، ۱۳۹۷)؛ زن زیادی (ج. آل‌احمد، ۱۳۳۱)؛ افسانه‌های کهن (ف. مهتدی، ۱۳۸۵)؛ گزته (ح. فرهنگ‌فر، ۱۳۹۴)؛ بازنشسته (خ. شاهانی، ۱۳۶۸)؛ دایی‌جان (ا. پزشک‌راد، ۱۳۵۱).

«*az construction*» این است که گاهی به جای حرف اضافه «از»، از دیگر حروف اضافه مکانی، مانند *در*، *بر* و *یا* به بهره گرفته می‌شود و همه این ساخت‌ها، در واقع به نوعی بر مفاهیم مکانی دلالت دارند و بنابراین، مفهوم مقایسهٔ مبالغه‌آمیز را بر مبنای طرحواره‌های مکان، منبع و یا هدف رمزگذاری می‌کنند. لازم به یادآوری است که در بخش چهارچوب نظری گفته شد که هاینه (Heine, 1997, p. 115) این سه زیرطرحواره را در یک دسته و در پیوند با اصطلاح پوششی^۱ «Location» جای می‌دهد و استاسن (Stassen, 1985) نیز زبان‌هایی را که از حروف اضافه و مفاهیم مکانی برای بیان مقایسه بهره می‌گیرند، در دستهٔ زبان‌های «Locational» جای می‌دهد.

نکته قابل توجه دیگر در مورد بهره‌گیری از این گونه ساخت‌های مکانی برای بیان مقایسهٔ مبالغه‌آمیز در زبان فارسی، این است که هنگامی که به جای «از» از حروف اضافهٔ «در»، «بر» و «یا» در این ساخت‌ها بهره گرفته می‌شود، گاهی می‌توان نشانگر درجه «تر» را از جمله حذف کرد. هر چند به شرطی که مؤلفهٔ پارامتر، یک عنصر واژگانی دارای معنای *بِهتر/ترتر* باشد، مانند نام‌اندام *سر* و گاهی نیز می‌توان به جای آن از نشانگر درجه «ترین» بهره گرفت. به نمونه‌های زیر توجه کنید:

۸. او از همه دانش‌آموزان کلاس باهوش تر است.

۹. او باهوش ترین دانش‌آموز در کلاس ماست.

۱۰. دختر من به از همه‌شون سر است.

۱۱. در این مملکت من فقط از کسی حرف شنوی دارم که پو همه سرور باشد^۲

در جدول (۳) برای هر یک از هشت طرحوارهٔ پیشنهادی هاینه، نمونه‌هایی از ساخت مقایسهٔ مبالغه‌آمیز در زبان فارسی آمده‌است:

جدول ۳: شواهدی از طرحواره‌های پیشنهادی هاینه (Heine, 1997) برای بیان مقایسهٔ

مبالغه‌آمیز در زبان فارسی

طرحواره‌های رویداد	مثال
طرحواره کنش	تا حالا هیچ کس حریف اینها نشده (Najafi, 2008, p. 1289).
طرحواره مکان	این زن در زیر کی بهترین بود.

^۱ cover term

^۲ برگرفته از متن گزیده، صفحهٔ ۴۶

طرحواره منبع	توی دنیا از قصه قشنگتر چیزی نیست ^۱
طرحواره هدف	دختر من به همه دخترهای فامیل سر بود.
طرحواره قطیبت	مریم شاگرد اول کلاس شد، اما معدل مینا از همه کمتر شد.
طرحواره توالی	همه دانش‌آموزان کلاس از فیزیک افتادند. علی از هیچ درسی نیفتاد و بعد علی شاگرد اول شد.
طرحواره شباهت	هیچ کس را من مثل تو بی‌فکر و بی‌قید ندیده‌ام (Najafi, 2008, p. 203).
طرحواره مبتدا	از مغازه‌های فرش‌فروشی، طلافروشی و پیتزافروشی، هیچ کدوم درآمد پیتزافروشی رو ندارند.

همان‌گونه که در جدول (۳) مشاهده می‌شود، همه طرحواره‌های پیشنهادی هاینه در رمز‌گذاری مفاهیم و ساخت‌های مقایسه‌ی مبالغه‌آمیز این زبان نقش داشته و فعال هستند. در ادامه، به معرفی و تحلیل آن دسته از ویژگی‌ها و طرحواره‌هایی می‌پردازیم که به نظر می‌رسد از آن زبان فارسی باشند و در فهرست زبان‌های مورد بررسی هاینه (Heine, 1997) و استاسن (Stassen, 1985) هیچ اشاره‌ای به آن‌ها نشده‌است. نخست، به یکی از ویژگی‌های خاص زبان فارسی، یعنی بهره‌گیری از «ساخت اضافه» می‌پردازیم که در رمز‌گذاری بسیاری از مفاهیم دستوری از جمله «مالکیت»، «مقایسه» و موارد مشابه، نقش بسزایی دارد و بسیار به کار برده می‌شوند. در پیوند با این ساخت می‌توان چنین استدلال کرد که در زیرشاخه‌ی زبان‌های ایرانی و نیز زبان‌های ترکی، ساختی وجود دارد که دستورنویسان آن را به طور سنتی «اضافه» می‌خوانند. این ساخت کاربردهای گوناگونی دارد و یکی از کاربردهای آن پیوستن مالک و مملوک و متمایز کردن این دو از هم است. در زبان فارسی کاربرد این ساخت این گونه است که در مالکیت اسمی، مملوک به صورت اسم/گروه اسمی قبل از مالک قرار می‌گیرد و با کسره اضافه نشان‌دار می‌شود و می‌توان برای این ساخت معتقد به وجود طرحواره‌ی موسوم به «طرحواره‌ی اتصالی» بود (Naghzguy-Kohan & Maleki, 2019, p. 44). نکته‌ی درخور توجه در پیوند با «ساخت اضافه» این است که افزون بر به هم پیوند زدن مالک و مملوک کاربردهای گوناگون دیگری نیز دارد، از جمله نشان‌گذاری رابطه‌ی بین «مقایسه‌شونده» و «استاندارد» و رمز‌گذاری مفهوم مقایسه‌ی مبالغه‌آمیز در زبان فارسی. افزون بر این پژوهش، در مورد ساخت مالکیت، مقاله دیگری نیز به بررسی ساخت مالکیت محمولی در فارسی معاصر در چارچوب رویکرد نقشی-رده‌شناختی پرداخته‌است. این اثر به بررسی چهار نوع ساخت مالکیت محمولی و چگونگی رمز‌گذاری چهار

زیرشاخه مالکیت می پردازد (برای آگاهی بیشتر درباره این ساخت نگاه کنید به اثر مصطفوی (Mostafavi, 2012)).

۴. ۱. طرحواره اتصالی

در زبان فارسی برای بیان مفهوم مقایسه مبالغه آمیز، طرحواره ای ویژه موسوم به «طرحواره اتصالی» وجود دارد که به واسطه ساخت اضافه شکل گرفته است. این طرحواره برای رمزگذاری مقایسه مبالغه آمیز به دو شکل کار می کند و دارای دو زیرطرحواره «زیرطرحواره اضافی» و «زیرطرحواره دوگان-وندافزایی»^۱ است. نکته درخور توجه این جا است که این طرحواره در فهرست طرحواره های پیشنهادی هاینه برای بیان مقایسه در زبان های مختلف دنیا، نیامده است و بنابراین نیاز اساسی به بازنگری در الگوی هاینه را نشان می دهد. در ادامه، با آوردن چند نمونه به شرح این طرحواره و نقش آن در شکل گیری برخی ساخت های مقایسه مبالغه آمیز در این زبان می پردازیم.

۴. ۱. ۱. زیرطرحواره اضافی

در این زیرطرحواره به واسطه کسره اضافه، مؤلفه های «پارامتر» و «استاندارد» به یک دیگر پیوسته شده و گونه ای از ساخت اضافی می سازند که برون داد آن مفهوم مقایسه مبالغه آمیز است. توضیح اینکه، مؤلفه پارامتر در این ساخت معمولاً با یک عنصر واژگانی مانند «سوگلی»، «یکی یکدانه/دردانه»، «سرگل»، «گل سرسید» و موارد مشابه، به همراه ساخت اضافه نشان گذاری می شود. همچنین، در این ساخت «درجه پارامتر» نمود صوری ندارد و مفهوم «بهترین/ برترین» به صورت ضمنی از مؤلفه پارامتر، درک می شود:

۱۲. علی سوگلی (یکی یکدانه/دردانه) خانواده ماست.

۱۳. احمد، سرگل کلاس ما بود. همه معلم ها دوستش داشتند.^۲

۱۴. گل سرسید فیلم های اصغر فرهادی، «جدایی نادر از سیمین» است.

یکی دیگر از ساخت های مقایسه مبالغه آمیز اتصالی در زبان فارسی که با بهره گیری از ساخت اضافه شکل می گیرد و در همین زیرطرحواره جای می گیرد، دارای صورت گزاره ای «COM (مقایسه شونده)، خدای PAR (پارامتر) است» هستند. به نمونه زیر توجه کنید:

۱۵. توی کلاس ما، مریم خدای کامپیوتره.

در این ساخت، مفهوم مقایسه عالی با ایجاد اتصال بین عنصر واژگانی خدا و مؤلفه پارامتر و به

¹ The Reduplication Subschema

^۲ برگرفته از متن کتاب شبگرد، صفحه ۱۰۵

واسطهٔ ساخت اضافه رمزگذاری می‌شود. این ساخت را می‌توان به شکل زیر صورت‌بندی کرد:

‘ → *ast. PAR xoda-ye COM 16.* است *PAR* بهترین کس/چیز در *COM*

۴. ۱. ۲. زیر طرحواره دوگان-وندافزایی

منظور از دوگان-وندافزایی، به کارگیری همزمان کسره اضافه و یکک وند (پسوندهای جمع -ان) به همراه تکرار واژه پایه است که از رهگذر این سازوکار می‌توان نوعی ساخت مقایسهٔ مبالغه‌آمیز زبان-ویژه را تولید کرد که همچون «زیر طرحواره اضافی» به نظر می‌رسد از آن زبان فارسی است. در این ساخت، کسره اضافه نقش نشانگر استاندارد را بر عهده دارد. مانند نمونه‌های زیر:

۱۷. مردِ مردان

۱۸. شاهِ شاهان

۱۹. شیرِ شیران

همان گونه که در نمونه‌های بالا مشاهده می‌شود، در این نوع ساخت مقایسهٔ اتصالی، به جای نشانگر استاندارد «از»، از ساخت اضافه بهره گرفته می‌شود، «درجه پارامتر» حذف می‌شود، مؤلفهٔ پارامتر نیز نمود صوری ندارد و به صورت ضمنی می‌توان آن را از بافت درک کرد. مؤلفه‌های «مقایسه‌شونده» و «استاندارد» نیز توسط عنصر اضافه به یکدیگر پیوسته می‌شوند.

۴. ۲. طرحوارهٔ معرفگی

در برخی جمله‌ها، عامل معرفگی، مفهوم مقایسهٔ مبالغه‌آمیز را رمزگذاری می‌کند. این طرحواره در برخی زبان‌های دیگر نیز بسیار رایج و تنها سازوکار نشان‌گذاری ساخت مقایسه عالی است (Jensen, 1934, p. 111). به بیانی، این نوع ساخت‌ها به واسطه وجود طرحوارهٔ معرفگی در ذهن گویشوران شکل می‌گیرند و خود این طرحواره از طرحواره مبتدایی نشأت می‌گیرد. به نمونه‌های زیر توجه کنید:

۲۰. بین سه قلوها، تُپِلِ دختر است.

۲۱. بین ۵ تا نوه‌هامون، سارا، بزرگه است.

۴. ۳. طرحوارهٔ مالکیت

افزون بر طرحواره‌های پیشین، فارسی‌زبانان برای بیان مقایسه مبالغه‌آمیز از مفهوم مالکیت نیز بهره می‌گیرند. به این صورت که با همراهی کسره اضافه و پیوستن «پارامتر» به «مالک» (مؤلفهٔ استاندارد) و به کارگیری فعل «داشتن»، نوعی از ساخت مقایسهٔ مبالغه‌آمیز را رمزگذاری می‌کنند. این ساخت را می‌توان به صورت گزارهٔ «هیچ کس، پارامتر مقایسه‌شونده را ندارد.» و ساختار

طرحواره‌ای [Z, Y-Ez X ra To Have-NEG] صورت‌بندی کرد، مانند نمونه‌های زیر:

۲۲. هیچ کس قابلیت تو را ندارد (Najafi, 2008, p. 1068).

۲۳. هیچ کدام از بچه‌های کلاس هوش و تواناییِ مریم را ندارد.

۴. ۴. طرحوارهٔ برابری

یکی دیگر از امکانات دستور زبان فارسی این است که برای رمزگذاری ساخت مقایسهٔ مبالغه‌آمیز، از مفهوم «برابری» (یا نقض وجود برابری) بهره می‌گیرد. طرحوارهٔ برابری همچون طرحواره مالکیت معمولاً با همراهی کسرهٔ اضافه و پیوستن پارامتر (Y) به مؤلفهٔ مقایسه‌شونده (X) شکل می‌گیرد و گاه نیز بدون همراهی کسره اضافه و فقط با نقض وجود برابری، بین دو مؤلفهٔ مقایسه‌شونده و استاندارد، مفهوم مقایسهٔ مبالغه‌آمیز را می‌سازد. برای این طرحواره می‌توان دو صورت گزاره‌ای «استاندارد، به پارامتر مقایسه‌شونده نیست» و «استاندارد، مقایسه‌شونده نیست/ نمی‌شود» و همچنین دو ساختار طرحواره‌ای -3rd-SG-(no) Z, to Y-Ez X To Be- PRES-NEG و یا [no) Z, X To Be-3rd-SG-PRES-NEG] را پیشنهاد داد، مانند نمونه‌های زیر:

۲۴. در کلاس ما پسر به باهوشی رضا نیست.

۲۵. هیچ کس (واسه من) بابایوسف نمیشه.

۲۶. هیچ غذایی قورمه‌سبزی نمیشه.

۴. ۵. طرحوارهٔ نام‌اندازی

در زبان فارسی، نام‌اندام‌ها نقش بسیار مهم و فعالی در ساخت مقایسهٔ مبالغه‌آمیز بر عهده دارند. به این صورت که برخی اصطلاح‌های ساختی و یا عبارات‌های اصطلاحی پر کاربرد متشکل از برخی نام‌اندام‌ها، به ویژه «سر»، «گردن»، «مو»، «دست»، «انگشت» و «پا» وجود دارند که مفهوم مقایسهٔ مبالغه‌آمیز را به بهترین شکل ممکن رمزگذاری می‌کنند. به اصطلاح‌های (عبارات اصطلاحی) زیر توجه کنید:

۲۷. به گردِ پای کسی نرسیدن

۲۸. انگشت کوچیکهٔ کسی نشدن

۲۹. یک تار موی کسی را به همه دنیا ندادن

۳۰. روی دست همه بلند شدن

۳۱. یک سر و گردن از همه بالاتر بودن

۳۲. دست همه را از پشت بستن

۳۳. رودست نداشتن

۶.۴. طرحواره‌ی اصطلاحی

در زبان فارسی برخی ساختارهای ثابت یا نیمه‌ثابت (عبارات و ساخت‌های فرموله شده) وجود دارند که در قالب اصطلاح‌ها یا ضرب‌المثل‌های رایج نمایان می‌شوند و بیانگر مفهوم مقایسه‌ی مبالغه‌آمیز هستند. به نمونه‌های زیر توجه کنید:

۳۴. بالاتر از سیاهی رنگی نیست.

۳۵. دیواری کوتاه‌تر از دیوار من / ما / پیدا نکرده.

۳۶. خون کسی از همه / بقیه / رنگین‌تر بودن.

۳۷. اصطلاح ساختنی [از این X (صفت) - تر نمیشه]

این اصطلاح در زبان فارسی بسیار رایج است و در موقعیت‌های مختلف به کار می‌رود، جمله‌هایی مانند: از این بدتر نمی‌شه / از این گندتر نمی‌شه / از این بهتر نمی‌شه، از این زیباتر نمی‌شه و موارد مشابه.

۷.۴. طرحواره‌ی آمیخته

گویشوران زبان فارسی گاه برای بیان مقایسه‌ی مبالغه‌آمیز، ویژگی‌های دو یا چند طرحواره‌ی متفاوت را با یک‌دیگر ترکیب می‌کنند و به اصطلاح از طرحواره‌های آمیخته بهره می‌گیرند. یکی از پرکاربردترین طرحواره‌های آمیخته در این زبان مربوط به ساخت‌هایی است که متشکل از دو طرحواره‌ی هدف و برابری هستند. به نمونه‌های زیر توجه کنید:

۳۸. در تمام عمرش دختر به این خوشگلی ندیده بود.

۳۹. تا حالا غذا به این خوشمزگی نخوردم.

افزون بر طرحواره‌ی بالا، طرحواره‌های آمیخته‌ی دیگری متشکل از طرحواره‌های مختلف، مانند «کنش-مکان»، «کنش-قطبیت»، «مکان-برابری»، «منبع-مبتدا»، «مبتدا-شبهت» و موارد مشابه، نیز در زبان فارسی به کار می‌روند. مانند نمونه‌های زیر:

۴۰. طرحواره مکان-کنش: روی دست همه بلند شدی و اوسا امان‌الله را از سکه انداختی^۱.

۴۱. طرحواره منبع-مبتدا: از میان قصابی‌های بازارچه، فروش دکان ما از همه بیشتر شد^۲.

^۱ برگرفته از متن کتاب «پیشامدها»، صفحه ۳۵

^۲ برگرفته از متن کتاب «بادها»، صفحه ۳۸

افزون بر ساخت‌ها و طرحواره‌هایی که تاکنون به شرح آن‌ها پرداختیم، یک ساخت دستوری شده اختصاصی برای بیان مقایسه مبالغه آمیز در این زبان وجود دارد که بر اساس مفهوم مکان (ایجاد تقابل جهتی) شکل می‌گیرد؛ به این صورت که بی نظیر بودن، متمایز بودن و برتری یک پدیده (مقایسه شونده) نسبت به سایر (همه) پدیده‌های هم جنس و هم نوع خود (استاندارد)، با قرار گرفتن این پدیده‌ها (مقایسه شونده و استاندارد) در دو سوی متقابل در حوزه مکان رمزگذاری می‌گردد. این ساخت، در واقع با وقوع دستوری شدگی در حوزه مکان تبدیل به یک ساخت اختصاصی برای بیان مفهوم دستوری مقایسه مبالغه آمیز شده است و می‌توان ساختار طرحواره‌ای [Z on one side, X on the other Side] («استاندارد یک طرف، مقایسه شونده یک طرف (دیگر)») را برای آن صورت بندی کرد. به نمونه‌های زیر توجه کنید:

۴۲. همه دنیا یک طرف، ملک تاج یک طرف^۱.

۴۳. تمام این مملکت از ناموس پرستی یک طرف، غیاث آبادی‌ها یک طرف^۲.

در پایان این بخش، نمای کلی طرحواره‌ها و زیر طرحواره‌های ساخت مقایسه مبالغه آمیز در زبان فارسی در جدول (۴) نمایش داده می‌شود و علامت «+» به معنای فعال بودن آن طرحواره در این زبان است:

جدول ۴: نظام طرحواره‌ای ساخت مقایسه مبالغه آمیز در زبان فارسی

شبهات	مبتدایی	توالی	قطبیت	هدف	منبع	مکان	کنش	طرحواره‌های
+	+	+	+	+	+	+	+	عام
اصطلاحی		نام اندامی	معرفگی	برابری	مالکیت	اتصال		طرحواره‌های زبان-ویژه
+		+	+	+	+	دوگان- وندا افزایی	اضافی	
						+	+	

۴. ۸. رمز گذاری ساخت واژی- نحوی مقایسه مبالغه آمیز در زبان فارسی

در این بخش به چگونگی نمود صوری (آشکار/ضمنی و اجباری بودن/اختیاری بودن) هر یک از پنج مؤلفه سازنده ساخت مقایسه مبالغه آمیز، یعنی مؤلفه‌های «مقایسه شونده»، «پارامتر»، «نشانگر استاندارد»، «نشانگر پارامتر» و «استاندارد» در ساخت‌های گوناگون می‌پردازیم. همچنین

^۱ برگرفته از متن کتاب «دیدار در هند»، صفحه ۸۸

^۲ برگرفته از متن کتاب «دایی جان»، صفحه ۲۷۷

راهکارهای ساخت‌واژی-نحوی که در رمزگذاری مفهوم مقایسه‌مبالغه‌آمیز بهره گرفته می‌شوند، را معرفی می‌کنیم.

با توجه به شواهد و جمله‌های بررسی شده در بخش پیشین، مؤلفه‌های «نشانگر استاندارد» و «نشانگر پارامتر» اغلب نمود صوری ندارند، به‌ویژه در جمله‌هایی که شامل «ساخت اضافه» هستند. نمود صوری مؤلفه «استاندارد» نیز در برخی جمله‌ها اجباری نیست و به‌صورت ضمنی می‌توان آن را بر مبنای بافت درک کرد. ولی مؤلفه‌های «مقایسه‌شونده» و «پارامتر» معمولاً قابل حذف نیستند، به جز در یک مورد استثناء. این مورد استثناء مربوط به یک اصطلاح ساختی است که پیش‌تر در بخش (۴.۶) نمونه (۳۶) نیز شرح داده شد و دارای صورت گزاره‌ای [az in PAR-tar NEG-get-PRES-3rd-SG-PASS] و به معنای 'از این X-تر نمیشه' است که می‌توان مؤلفه «مقایسه‌شونده» را از آن حذف و به‌صورت ضمنی از بافت درک کرد (این ساخت در واقع نوعی ترکیب کلام است دال بر اینکه وضع به نهایت خود رسیده‌است). به بیان دقیق‌تر، در زبان فارسی نمود صوری مقایسه‌شونده فقط در این ساخت است که می‌تواند اختیاری باشد. به نمونه زیر توجه کنید که مؤلفه مقایسه‌شونده در آن حذف می‌شود:

۴۴. الف) شهر ما واقعاً شلوغ شده. وضع ترافیک از این بدتر نمی‌شود.

ب) از این بدتر نمی‌شود.

مؤلفه «پارامتر» نیز فقط در یک ساخت ویژه می‌تواند نمود صوری نداشته باشد. این ساخت ویژه، بر اساس طرحواره‌ی برابری شکل می‌گیرد و پیش‌تر در بخش (۴.۴)، نمونه‌های (۲۴) تا (۲۶) برای آن آورده شده‌است. اکنون، بر اساس دسته‌بندی رده‌شناسی استاسن (Stassen, 1985)، توزیع فراوانی انواع ساخت‌های مقایسه‌مبالغه‌آمیز در جدول (۵) نمایش داده می‌شود:

جدول ۵: توزیع فراوانی انواع ساخت‌های مقایسه‌مبالغه‌آمیز در زبان فارسی

تعداد	صورت	نوع مقایسه‌مبالغه‌آمیز
۱۲۱	از، به، بر، در (نشانگر استاندارد مکانی)	مکانی
۲۲	جلو زدن/افتادن، حریف شدن، غلبه کردن، پیروز شدن و غیره... مانند موارد زیر: ۱- من توی دو از همه بچه‌های آبادی جلو می‌زنم (پابره‌ها، ص. ۲۰۳). ۲- تا حالا هیچ کس حریف این زن نشده (کلاغ‌ها و آدم‌ها، ص. ۶)	فزونی

۳	_____	پیوسته
۱۲	رودست نداشتن، به گرد پای کسی نرسیدن، انگشت کوچیکه کسی نشدن، روی دست همه بلندشدن، یک سروگردن از همه بالاتر بودن، بالاتر از سیاهی رنگی نیست، دیواری کوتاه‌تر از دیوار کسی پیدا نکردن، خون کسی از همه/بقیه رنگین‌تر بودن و غیره...	سایر (عبارات اصطلاحی/ضرب‌المثلی)
۶	_____	آمیخته ^۱

با توجه به جدول (۵) و همچنین با توجه به مطالبی که در ابتدای این بخش درباره چگونگی نمود صوری مؤلفه‌های سازنده ساخت مقایسه آورده شد، به ترتیب، نشانگر پارامتر، نشانگر استاندارد و استاندارد بیشترین احتمال حذف (نداشتن نمود صوری) و مؤلفه‌های پارامتر و مقایسه‌شونده به صورت مساوی (فقط در یک ساخت) کمترین احتمال حذف را در زبان فارسی دارند. به بیانی، می‌توان احتمال میزان اجباری یا اختیاری بودن نمود صوری این مؤلفه‌ها را در سلسله مراتبی به شکل زیر نمایش داد:



مقایسه‌شونده=پارامتر > استاندارد > نشانگر استاندارد > نشانگر پارامتر

شکل ۱: سلسله مراتب نمود صوری مؤلفه‌های ساخت مقایسه مبالغه‌آمیز در زبان فارسی

همچنین در پیوند با میزان و قابلیت جابه‌جایی مؤلفه‌های سازنده ساخت مقایسه، می‌توان چنین استدلال کرد که از آن‌جا که زبان فارسی از جنبه رده‌شناسی از گونه زبان‌های SOV و دارای ترتیب سازه آزاد است، نسبت به زبان‌هایی مانند انگلیسی، انعطاف زیادی از خود نشان می‌دهد. افزون بر این، همسو با دیدگاه هاینه (Heine, 1997, p. 116) بسیاری از طرحواره‌ها، به ویژه طرحواره‌های مکان و منبع همبستگی شدیدی با ترتیب‌سازه دارند و همان گونه که در نمونه‌های ارائه شده در بخش‌های پیشین دیدیم، هر یک از مؤلفه‌های اصلی ساخت مقایسه در این زبان می‌تواند در جایگاه آغازین، میانی و یا پایانی قرار بگیرد و به شکل‌های گوناگونی از جنبه ترتیب سازه در جمله نمایان شود. بنابراین، بسیار طبیعی است که قابلیت جابه‌جایی هر یک از این مؤلفه‌ها از جنبه ترتیب قرار گرفتن در جمله و نیز نقش‌های دستوری مختلفی که بر عهده دارند، تا اندازه‌ای

^۱ منظور یک ساخت واحد است که همزمان دارای ترکیبی از ویژگی‌های ساخت مکانی، فزونی و یا پیوسته است.

زیاد و انعطاف‌پذیر باشد. برای نمونه، قابلیت جابه‌جایی این مؤلفه‌ها در انواع ساخت‌های مقایسه‌ی مبالغه‌آمیز در این زبان به گونه‌ای است که «نشانگر استاندارد» هم می‌تواند پیش از «استاندارد» قرار بگیرد و هم پیش از «مقایسه‌شونده». همچنین، مؤلفه «استاندارد» نیز یا در آغاز جمله، پیش از همه مؤلفه‌ها نمایان می‌شود و یا در جایگاه‌های میانی و پس از مؤلفه‌های مقایسه‌شونده، پارامتر و یا نشانگر پارامتر.

نکته درخور توجه دیگر این است که همان گونه که در شواهد و نمونه‌های مورد بررسی در بخش (۱.۴) شرح داده شد، در ساخت‌هایی که از عنصر اضافه بهره گرفته می‌شود، معمولاً نشانگر استاندارد حذف می‌شود و کسره اضافه جایگزین آن می‌شود. همچنین، به دلیل وجود طرحواره‌ی اتصالی در زبان فارسی که خود به واسطه بهره‌گیری از ساخت اضافه شکل گرفته‌است و نیز بهره‌گیری از حروف اضافه گوناگون (از، به، بر، در)، مؤلفه‌های مقایسه‌شونده، استاندارد و پارامتر می‌توانند به شیوه‌های مختلفی به یک‌دیگر پیوسته شوند و در بسیاری موارد قابلیت جابه‌جایی داشته باشند. در بخش زیر، نمونه (۴۵) را می‌توان با جابه‌جا کردن همه مؤلفه‌ها، به ویژه مؤلفه‌های «مقایسه‌شونده»، «استاندارد» و «نشانگر استاندارد» به چند شکل مختلف بازنویسی کرد و هیچ‌یک از این جابه‌جایی‌ها منجر به نادرستی شدن جمله نمی‌شود:

۴۵. توی دنیا از قصه قشنگ‌تر، چیزی نیست^۱.

- قصه از هر چیزی توی دنیا قشنگ‌تر است / قصه قشنگ‌ترین چیز دنیاست / قشنگ‌ترین چیز توی دنیا، قصه است / چیزی از قصه قشنگ‌تر توی دنیا نیست / چیزی قشنگ‌تر از قصه توی دنیا نیست / از قصه قشنگ‌تر چیزی در (توی) دنیا نیست.

افزون بر دو عامل مورد اشاره (ترتیب سازه آزاد و ساخت اضافه)، برخی راهکارها و ابزارهای ساخت‌واژی-نحوی نیز هستند که نقش بسزایی در چگونگی نمود صوری مؤلفه‌ها، جایگاه (ترتیب) آن‌ها در جمله و شیوه رمزگذاری ساخت مقایسه‌ی مبالغه‌آمیز دارند، مانند برخی عناصر واژگانی، فعل‌های مرکب، دوگان‌سازی (تکرار)، اصطلاح‌های ساختی و برخی عبارت‌های اصطلاحی/ضرب‌المثلی که بر مفهوم مقایسه‌ی مبالغه‌آمیز دلالت دارند. در ادامه، به بررسی و شرح این نوع راهکارها می‌پردازیم:

گاهی، مفهوم مقایسه‌ی مبالغه‌آمیز با به کارگیری عنصر/عناصری رمزگذاری می‌شود که مؤلفه‌های نشانگر استاندارد، استاندارد و نشانگر پارامتر را به نوعی با یکدیگر تلفیق می‌کند. برای نمونه، در برخی جمله‌ها به جای نشانگر پارامتر و نشانگر استاندارد از عناصر واژگانی مستقلی مانند

^۱ برگرفته از متن کتاب «بادها»، صفحه ۱۱

«تک»، «سر»، «سوگلی»، «سرگل» و «دردانه/یکی یکدانه» بهره گرفته می‌شود، مانند نمونه‌های زیر:

۴۶. علی در تیراندازی تک است. / علی در تیراندازی از همه سر است.

گاهی نیز از واژه «بیشتر/بهرتر/کمتر» در کنار یک پارامتر فعلی برای بیان مقایسهٔ مبالغه‌آمیز

استفاده می‌شود. مانند نمونه‌های زیر:

۴۷. رضا از همه بهرتر پشتک می‌زنه.

۴۸. توی کلاس ما، زهرا از همه بیشتر درس می‌خونه.

نکته قابل توجه این است که بهره‌گیری از این گونه عناصر واژگانی مستقل برای بیان مفهوم مقایسهٔ مبالغه‌آمیز خود می‌تواند شاهدهی باشد بر تأیید دیدگاه یسنن (Jensen, 1934) در پیوند با جریان تکامل ساخت‌های مقایسه‌ای در زبان‌های مختلف جهان. به بیان دقیق‌تر، بر پایهٔ دیدگاه یسنن (همان) در زبان فارسی نیز سیر تکامل ساخت‌های مقایسه‌ای از بندهای هم‌پایهٔ دوتایی به سمت عبارت‌های یک‌بندی (تک‌جمله‌ای) است و عبارت‌ها و جمله‌ها تک‌بندی، فراوانی و کاربرد بیشتری دارند. یکی دیگر از راهکارهای ساخت‌واژی برای بیان مقایسهٔ مبالغه‌آمیز در زبان فارسی، دوگان‌سازی (تکرار)، است که از رهگذر آن، مولفهٔ پارامتر (صفت) تکرار می‌شود و سپس در نقش یک تشدیدکننده^۱ مفهوم مقایسهٔ مبالغه‌آمیز را رمزگذاری می‌کند، مانند نمونه‌های زیر:

۴۹. دیوتر از هر دیو کسی است که زن سرتر از خود اختیار کند!^۲

۵۰. او دیوانهتر از هر دیوانه است.^۳

بهره‌گیری از فعل‌های مرکب، یکی دیگر از راهکارهای ساخت‌واژی-نحوی پربسامد برای بیان مقایسه در این زبان است. برخی فعل‌های مرکب و عبارت‌های فعلی که بر مفهوم «برتر بودن» دلالت دارند در ساخت مقایسهٔ مبالغه‌آمیز همکاری پویایی دارند، از جمله «تمایز کردن»، «لنگه نداشتن»، «تک بودن»، «سر بودن»، «حرف اول را زدن»، «رودست نداشتن» و موارد مشابه. مانند نمونه‌های زیر:

۵۱. آن نگاه گیرنده، او را از همه دختران ده متمایز می‌کرد.^۴

۵۲. ایران در رشتهٔ کشتی حرف اول را می‌زند.

^۱ intensifier

^۲ بر گرفته از متن کتاب «گزنه»، صفحهٔ ۲۰۶

^۳ بر گرفته از متن کتاب «سه قطره»، صفحهٔ ۱۳

^۴ بر گرفته از متن کتاب «سایه روشن»، صفحهٔ ۵۷

۵. ساخت مقایسه‌مبالغه‌آمیز در زبان انگلیسی

با بررسی جمله‌های برگرفته‌شده از زبان انگلیسی، مشاهده می‌شود که یکی از رایج‌ترین و بی‌نشان‌ترین شیوه‌های بیان مقایسه‌مبالغه‌آمیز در این زبان به کارگیری نشانگر پارامتر «est» و یا ادات «most» به همراه عنصر معرفگی «the» است. به نمونه‌های زیر توجه کنید:

53. Susan is the tallest of her family.

54. Sara is the most intelligent of all the girls.

بر مبنای دسته‌بندی استاسن (Stassen, 1985)، زبان انگلیسی از نوع زبان‌های دارای آدات است و اغلب برای بیان مقایسه از آدات «more» و «most» بهره می‌گیرد. به واسطه بهره‌گیری از این آدات، یک ساخت پر کاربرد یعنی «*than Construction*» برای رمزگذاری مفهوم مقایسه‌مبالغه‌آمیز در این زبان شکل می‌گیرد. به نمونه‌های زیر توجه کنید:

55. Sara is more talented than any other player on the team.

56. This is the most interesting song I have ever heard.

57. John is the most intelligent of all his brothers.

58. He is the most likely of any of her students to succeed.

همان‌گونه که در نمونه (۵۵) دیده می‌شود، در «*than construction*» هر پنج مؤلفه سازنده ساخت مقایسه‌مبالغه‌آمیز نمود صوری دارند، ولی در ساخت‌هایی که شامل «*the most*» هستند، سه حالت وجود دارد. اگر پس از آن یک بند کامل شامل زمان حال کامل و یا مصدر (عبارت مصدری) به کار رود. در این صورت، نشانگر استاندارد حذف می‌شود و مؤلفه استاندارد نیز نمود صوری ندارد و به صورت ضمنی از بافت درک می‌شود، ولی اگر پس از آن یک گروه حرف اضافه‌ای شامل «*of*»، «*in*» و یا «*on*» به کار برود، در این صورت نشانگر استاندارد و مؤلفه استاندارد هر دو نمود صوری دارند.

افزون بر ساخت‌های مورد اشاره که فراوانی و کاربرد بسیار بالایی دارند، ساخت‌های دیگری نیز برای بیان مقایسه‌مبالغه‌آمیز در زبان انگلیسی وجود دارند که همسو با دیدگاه هاینه (Heine, 1997) بر مبنای طرحواره‌های گوناگونی شکل می‌گیرند. در ادامه، در جدول (۶) با ارائه نمونه‌ها و شواهدی برای هر یک از هشت طرحواره پیشنهادی هاینه (همان)، انواع ساخت‌های مقایسه‌مبالغه‌آمیز این زبان را از یک‌دیگر باز می‌شناسیم و میزان بسندگی الگوی پیشنهادی هاینه (همان) را در رویارویی با داده‌های این زبان می‌سنجیم:

جدول ۶: شواهدی از طرحواره‌های پیشنهادی هاینه برای بیان مقایسهٔ مبالغه‌آمیز در زبان

انگلیسی

Event Schemas	Examples
The Action Schema	He surpasses all of them in cleverness.
The Location Schema	I rate her above most other players of her age.
The Source Schema	He is the best candidate selected from among 6 boys and 5 girls.
The Goal Schema	She is morally superior to the rest of us.
The Polarity Schema	Sara has the highest authority over her students in our department, while Jack has no authority at all.
The Sequence Schema	All the students lost their chances of becoming the top student in high school. Jack didn't Lose his chance. Then, he was selected as the best student.
The Similarity Schema	No one in our class is as good at English as Tony.
The Topic Schema	As regards David, Robert and Bob, Robert is the tallest.

همان گونه که در جدول (۶) مشاهده می‌شود، همه طرحواره‌های پیشنهادی هاینه (Heine, 1997) در رمز‌گذاری ساخت مقایسهٔ مبالغه‌آمیز مشارکت دارند و الگوی هاینه (همان) به خوبی از عهده تبیین این ساخت در این زبان برمی‌آید. گفتنی است همان گونه که در بخش چهارچوب نظری گفته شد، در زبان انگلیسی نیز پراکندگی فراوانی طرحواره‌ها متفاوت است، یعنی طرحواره‌های مکانی شامل هدف، منبع و مکان و همچنین طرحواره‌های کنش و قطبیت نسبت به سایر طرحواره‌ها، فراوانی بالاتری دارند؛ در حالی که طرحواره‌های شباهت و مبتدا فراوانی پایین‌تری دارند و طرحوارهٔ توالی نیز کمترین میزان فراوانی را دارد.

۵. ۱. رمز‌گذاری ساختواژی-نحوی مقایسهٔ مبالغه‌آمیز در زبان انگلیسی

بر مبنای دسته‌بندی رده‌شناسی استاسن (Stassen, 1985) اگرچه زبان انگلیسی بیشتر، از نوع زبان‌های دارای ادات است، ولی همان گونه که در بخش پیشین مشاهده شد در این زبان از ساخت‌ها و طرحواره‌های گوناگونی برای بیان مقایسه مبالغه‌آمیز بهره گرفته می‌شود. در این بخش چگونگی نمود صوری مؤلفه‌های سازندهٔ ساخت مقایسهٔ مبالغه‌آمیز، یعنی مؤلفه‌های «مقایسه‌شونده»، «پارامتر»، «نشانه‌گر استاندارد»، «نشانه‌گر پارامتر» و «استاندارد» در ساخت‌های

مختلف این زبان مورد بررسی قرار گرفته می‌شود و سپس راهکارهای ساخت‌واژی-نحوی که در رمزگذاری این نوع از مقایسه به کار گرفته می‌شوند، شناسایی می‌شوند.

با توجه به شواهد و جمله‌های مورد بررسی، در زبان انگلیسی نیز همانند زبان فارسی، مؤلفه‌های «نشانگر استاندارد»، «استاندارد» و «نشانگر پارامتر» در برخی ساخت‌ها نمود صوری ندارند، ولی هیچ نمونه‌ای در پیکره مورد بررسی یافت نشد که مؤلفه‌های «مقایسه‌شونده» و «پارامتر» نیز نمود صوری نداشته باشند. بنابراین، به نظر می‌رسد نمود صوری این دو مؤلفه در این زبان اجباری است. همچنین، از آن جا که زبان انگلیسی از جنبه رده‌شناسی از نوع زبان‌های SVO و دارای ویژگی «ترتیب سازه ثابت» است، قابلیت جابه‌جایی مؤلفه‌های مورد اشاره، به ویژه مؤلفه استاندارد در این زبان در مقایسه با زبان فارسی کمتر است و در برخی ساخت‌ها جابه‌جا کردن آن موجب نادرستی شدن جمله می‌شود. برای نمونه، در بخش (۸.۴)، نمونه (۴۵) دیدیم که در زبان فارسی، نشانگر استاندارد هم می‌تواند پیش از استاندارد قرار بگیرد و هم پیش از مقایسه‌شونده؛ در حالی که در زبان انگلیسی نشانگر استاندارد یا به‌هیچ‌وجه نمود صوری ندارد و یا در صورت داشتن نمود صوری، فقط می‌تواند پیش از استاندارد قرار بگیرد، ولی هرگز پیش از مقایسه‌شونده قرار نمی‌گیرد. افزون بر این، در زبان فارسی در بسیاری از انواع ساخت‌های مقایسه‌مبالغه‌آمیز، مؤلفه استاندارد می‌تواند در آغاز جمله و پیش از همه مؤلفه‌ها نمایان شود (نمونه (۴۵))؛ در حالی که در زبان انگلیسی، مؤلفه استاندارد معمولاً نمی‌تواند در آغاز جمله و پیش از همه مؤلفه‌ها نمایان شود، به جز در ساخت‌های کم‌پسامدی از نوع پیوسته که فراوانی و کاربرد این نوع ساخت‌ها در زبان انگلیسی بسیار کم است.

نکته قابل توجه دیگر در پیوند با میزان قابلیت جابه‌جایی مؤلفه‌های مورد اشاره در زبان انگلیسی این است که معمولاً در ساخت‌هایی که مؤلفه استاندارد، در قالب یک گروه حرف اضافه‌ای، همچون «*of phrase*» و یا «*in phrase*» رمزگذاری می‌گردد، دیگر مؤلفه‌ها انعطاف‌پذیری بیشتری برای جابه‌جا شدن دارند. بنابراین همه مؤلفه‌ها به جز استاندارد می‌توانند در ابتدای جمله و پیش از دیگر مؤلفه‌ها نمایانده شوند؛ در حالی که در ساخت‌های «*than construction*» فقط یک حالت ممکن برای جابه‌جایی مؤلفه‌ها وجود دارد و این امکان جابه‌جایی مربوط به درجه پارامتر است که می‌تواند در ابتدای جمله و پیش از مقایسه‌شونده قرار بگیرد. همچنین، در ساخت‌هایی که استاندارد و نشانگر استاندارد نمود صوری ندارند، فقط یک حالت ممکن برای جابه‌جایی مقایسه‌شونده با نشانگر پارامتر در ابتدای جمله وجود دارد. در قسمت زیر چند نمونه به همراه تعداد حالت‌های ممکن برای جابه‌جایی مؤلفه‌های مورد اشاره آورده

می شود و مواردی که جابه جایی هر یک از مؤلفه ها موجب نادرستی شدن جمله شده است نیز با علامت ستاره مشخص شده اند:

59. John is the tallest of all those children.

-Of all those children, John is the tallest.

-The tall-est of all those children is John.

60. Sara is the most beautiful girl in our class.

-The most beautiful girl in our class is Sara.

-In our class, the most beautiful girl is Sara.

-In our class, Sara is the most beautiful girl.

61. Dehli is the most crowded city I have ever seen.

-The most crowded city I have ever seen is Dehli.

62. Mary is more talented than any other player on the team.

-More talented than any other player on the team is Mary.

*-Than any other player on the team, Mary is more talented.

*-Any other player on the team, Mary is more talented than

در ادامه، بر اساس دسته بندی استاسن (Stassen, 1985)، پراکندگی فراوانی انواع ساخت های مقایسه مبالغه آمیز را در جدول (۷) نمایش می دهیم:

جدول ۷: توزیع فراوانی انواع ساخت های مقایسه مبالغه آمیز در زبان انگلیسی

Superlative Type	Forms	Number of Examples
Particle STM	-than constructions (more, most, least)	93
Locational	above (locational STM) of (locational STM)	21
Exceed	Surpass, exceed, defeat, win over, beat a	29
Conjoined	_____	2
Others (Idiomatic expressions & Proverbs)	Black will take no other hue. Head and shoulder above all Above all	4
Mixed (Schema blends)	_____	3

افزون بر طرحواره‌های مورد اشاره، برخی راهکارها و ابزارهای ساختواژی-نحوی دیگر نیز هستند که نقش بسزایی در چگونگی نمود صوری مؤلفه‌ها، و شیوه رمزگذاری ساخت مقایسه مبالغه‌آمیز در زبان انگلیسی دارند، از جمله برخی عناصر واژگانی، عبارت‌ها و ساخت‌های اصطلاحی و برخی ضرب‌المثل‌ها که بر مفهوم مقایسه مبالغه‌آمیز دلالت دارند. در ادامه، به بررسی و شرح این راهکارها می‌پردازیم. گاهی، مفهوم مقایسه مبالغه‌آمیز با به کارگیری برخی عناصر واژگانی رمزگذاری می‌شود که مؤلفه‌های نشانگر استاندارد، استاندارد و نشانگر پارامتر را به نوعی با یکدیگر تلفیق می‌کنند. برای نمونه، در برخی جمله‌ها به جای نشانگر پارامتر و نشانگر استاندارد از عناصر واژگانی مستقلی مانند «superior» و موارد مشابه، بهره گرفته می‌شود، مانند نمونه زیر:

63. She was chosen for the job because she was the superior candidate.

یکی دیگر از راهکارهای بیان مقایسه مبالغه‌آمیز، بهره‌گیری از برخی عبارات اصطلاحی/ضرب‌المثلی است، مانند نمونه‌های زیر:

64. Natasha is head and shoulders above the other dancers in her age group.

65. Black will take no other hue.

و در پایان، نظام طرحواره‌ای ساخت مقایسه مبالغه‌آمیز در زبان انگلیسی در جدول (۸) ترسیم می‌گردد:

جدول ۸: نظام طرحواره‌ای ساخت مقایسه مبالغه‌آمیز در زبان انگلیسی

شبهات	مبتدایی	توالی	قطبیت	هدف	منبع	مکان	کنش	طرحواره‌های
+	+	+	+	+	+	+	+	عام
اصطلاحی							نام اندامی	طرحواره‌های
							+	زبان-ویژه

۶. نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف تحلیل مقابله‌ای ساخت مقایسه مبالغه‌آمیز در فارسی و انگلیسی بر مبنای رویکرد شناختی هاینه (Heine, 1997) انجام شد و یافته‌های به‌دست آمده با پاسخ‌گویی به پرسش‌های مطرح شده در بخش مقدمه، به شرح زیر ارائه می‌گردد:

در پاسخ به پرسش اول، یافته‌ها نشان داد که زبان فارسی نسبت به زبان انگلیسی از سازوکارهای ساخت‌واژی-نحوی متنوع‌تری بهره می‌گیرد، مانند دوگان‌سازی (تکرار)، ساخت اضافه، دوگان-وندافزایی، افعال مرکب، عناصر واژگانی منفرد دارای معنای «برتری»، اصطلاحات ساختی و برخی عبارات اصطلاحی/ضرب‌المثلی.

در پاسخ به پرسش دوم در پیوند با نمود صوری هریک از مؤلفه‌های سازنده ساخت مقایسه مبالغه‌آمیز، روشن شد که در زبان فارسی مؤلفه‌های «نشانگر پارامتر» و «نشانگر استاندارد» در بیشتر ساخت‌ها نمود صوری ندارند و حضور آن‌ها اختیاری است (یعنی ۷۰ درصد از همه نمونه‌های مورد بررسی در این پژوهش سه-مؤلفه‌ای و یا دو-مؤلفه‌ای بودند) و مؤلفه «استاندارد» نیز در برخی ساخت‌ها نمود صوری نداشت (در ۲۰ درصد از کل نمونه‌های مورد بررسی، مؤلفه استاندارد نمود صوری نداشت) و به صورت ضمنی از بافت قابل تشخیص بود. افزون بر این، در این زبان در شمار اندکی از ساخت‌ها، مؤلفه «مقایسه‌شونده» نیز قابل حذف است (در ۱۰ درصد از کل نمونه‌های مورد بررسی، مؤلفه مقایسه‌شونده نمود صوری نداشت)؛ در حالی که در زبان انگلیسی نمود صوری «مقایسه‌شونده» و «پارامتر» اجباری است و مؤلفه‌های «نشانگر پارامتر» و «نشانگر استاندارد» نیز اغلب نمود صوری دارند و در بیشتر ساخت‌ها به وسیله عناصر «*er-*»، «*est*»، «*more*»، «*most*»، «*than*»، حرف اضافه «*of*» و یا دیگر عبارت‌ها و گروه‌های حرف اضافه‌ای مانند «*of phrases*» و «*in phrases*»، نشان‌گذاری می‌شوند. به بیان دقیق‌تر، ۷۰ درصد از کل نمونه‌ها در زبان انگلیسی چهار-مؤلفه‌ای و یا پنج-مؤلفه‌ای بودند و فقط ۳۰ درصد از آن‌ها به صورت سه-مؤلفه‌ای بودند.

در پاسخ به پرسش سوم، دیدیم که در زبان فارسی برخی راهبردها و طرحواره‌های منحصر به فردی برای بیان مقایسه مبالغه‌آمیز وجود دارد که با هیچ‌یک از طرحواره‌های پیشنهادی هاینه (Heine, 1997)، همخوانی ندارند. به بیانی دیگر، زبان فارسی از راهبردها و طرحواره‌های زبان-ویژه‌ای بهره می‌گیرد که در فهرست زبان‌های مورد بررسی استاسن (Stassen, 1985) و هاینه (Heine, 1997) مشاهده نشده و نادیده گرفته شده‌اند. بنابراین، روشن شد که الگوهای پیشنهادی استاسن (Stassen, 1985) و هاینه (Heine, 1997) در رویارویی با داده‌های زبان فارسی بسندگی لازم و کافی را نداشته و نیازمند بازنگری جدی هستند؛ در حالی که داده‌های زبان انگلیسی را به خوبی تبیین می‌کنند.

و در مورد پرسش چهارم، به این پاسخ رسیدیم که یک ساخت اختصاصی برای بیان مقایسه مبالغه‌آمیز در زبان فارسی وجود دارد که بر اساس مفهوم مکان (ایجاد تقابل جهت‌ی) شکل می‌گیرد. این ساخت، در واقع با وقوع دستوری شدگی در حوزه مکان تبدیل به یک ساخت اختصاصی برای بیان مفهوم دستوری مقایسه مبالغه‌آمیز شده است و می‌توان ساختار طرحواره‌ای [Z on one side, X on the other Side] («استاندارد یک طرف، مقایسه‌شونده یک طرف دیگر») را برای آن صورت‌بندی کرد. به صورت مشابه، در زبان انگلیسی نیز، ساخت‌های «-

«*than construction*» و همچنین، به کارگیری همزمان نشانگر «معرفگی»، «*most*» و «زمان حال کامل» و یا «*-of phrase*»، مهمترین ساخت‌های دستوری شده اختصاصی برای بیان مقایسه‌ مبالغه‌آمیز در این زبان هستند.

فهرست منابع

- ایمانی، آوا (۱۴۰۰). «تحلیلی رده‌شناختی از ساخت مقایسه عالی در زبان فارسی». *پژوهش‌های زبان‌شناسی*. دوره ۱۳. شماره ۲۴. صص ۱۶۳-۱۸۰.
- مصطفوی، پونه (۱۳۹۱). «بررسی ساخت مالکیت محمولی در فارسی معاصر». *ویژه‌نامه نامه فرهنگستان*. شماره ۸. صص ۱۰۲-۱۶۸.
- نجفی، ابوالحسن (۱۳۸۷). *فرهنگ فارسی عامیانه*. ج ۲. تهران: انتشارات نیلوفر.
- نجفی، پریسا و جلال رحیمیان. (۱۳۹۹). «ساخت‌های همسانی در زبان فارسی». *زبان‌پژوهی*. دوره ۱۳. شماره ۳۸. صص ۲۶۴-۲۴۳.
- نغزگوی کهن، مهرداد و ساسان ملکی. (۱۳۹۸). «طرح‌واره‌های مالکیت در زبان فارسی». *پژوهش‌های زبان‌شناسی*. سال ۱۱. شماره ۱ (شماره ترتیبی ۲۰). صص ۳۳-۴۸.

References

- Andersen, P. K. (1983). *Word order typology and comparative constructions*. (Amsterdam Studies in the Theory and History of Linguistic Science, 25.) Amsterdam: John Benjamins.
- Heine, B. (1997). *Cognitive Foundations of Grammar*. Oxford: Oxford University press.
- Hopper, P. J. & Thompson, S. (1980). Transitivity in Grammar and Discourse. *Language*, 56, 251-299.
- Hornby, A. (2001). *Oxford Advanced Learner's Dictionary*. 6th ed. Oxford: Oxford University Press.
- <https://www.english-corpora.org/coca/>, *Corpus of Contemporary American English (COCA)*
- Imani, A. (2022). A typological study of superlative comparison in Persian. *Journal of Researches in Linguistics*, 13(24), 163-180. [In Persian]
- Jensen, H. (1934). Der steigernde Vergleich und sein sprachlicher Ausdruck. *Indogermanische Forschungen*, 52, 108-30.
- Mostafavi, P. (2012). Predicative possession in contemporary Persian. *Nameye Farhangestan*, 8, 102-168. [In Persian]
- Naghzgyu-Kohan, M & Maleki, S. (2019). Tarhvaraha-ye Malekiyat dar zaban-e Farsi (Possession Schemas in Persian). *Journal of researches in Linguistics*, 20(1), 33-48. [In Persian].
- Najafi, A. (2008). *Farhang-e Farsi-e Amiyane (The Colloquial Persian Dictionary)*, 2nd ed. Tehran: Niloufar Publication. [In Persian].
- Najafi, P. & J Rahimian, J. (2020). Equative constructions in Persian language.

- Zabanpazhuhi*, 13(38), 243-264. [In Persian]
- Nose, M. (2010). A Contrastive Study of comparative constructions among English, Japanese, and Tok Pisin: by using corpora in cross-linguistic contrast. In Richard Xiao (ed.). *Using corpora in contrastive and translation studies* (pp. 457-470). UK: Cambridge scholars publishing.
- Parra-Guinaldo, V. (2011). Typological overview of comparatives of inequality with an emphasis on Old English *More than* Expressions. *Anuario de Estudios Filológicos*, Vol XXXIV, 139-156.
- Quirk, R., Greenbaum, S., Leech, G., & Svartvik, J. (1985). *A Comprehensive Grammar of the English Language*. London and New York: Longman.
- Stassen, L. (1985). *Comparison and Universal Grammar*. Oxford: Basil Blackwell.
- Stolz, C, & Stolz, T. (1994). Spanisch-amerindischer Sprachkontakt (Hispanonindiana I): Die 'Hispanisierung' mesoamerikanischer Komparationsstrukturen. Unpublished manuscript, University of Essen. Retrieved from <
https://www.researchgate.net/publication/312039214_Spanisch-amerindischer_Sprachkontakt_Die_Hispanisierung'_mesoamerikanischer_Komparationsstrukturen>
- Ultan, R. (1972). some features of basic comparative constructions. *Working Papers on Language Universals* (Stanford), 9, 117-62.

